



نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در فرآیند توسعه

• دکتر رضاعلی محسنی*

۱- مقدمه

۱-۱- توسعه

توسعه (Development) از فرآیندهای بسیاری تشکیل شده و خود یک فرآیند (Process) پیچیده تغییر (Change) است.

توسعه عبارت است از رشد کمی و کیفی در تار و پود اجتماع. از این‌رو توسعه را باید بهتر شدن روابط تولید و افزایش کمی اقتصادی در امر تولید و مصرف جامعه و بالا رفتن شرایط کیفی از نظر اجتماع (سطح سواد، رفاه عمومی، بهداشت، درمان و غیره) و انسانی‌تر شدن زندگی و روابط اجتماعی دانست. با این تعریف، توسعه را نمی‌توان تنها در مفهوم اقتصادی آن محدود ساخت بلکه مفهومی وسیع و پرحاشیه دارد. توسعه تنها افزایش ابعاد مادی و کمی موجود نیست، بلکه تبدیل کمیت است به کیفیتی مطلوب‌تر، کارآمدتر، والاتر و انسانی‌تر.

مایکل تودارو (Micheal Todaro) معتقد است که توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی

عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است.

توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. به این ترتیب، توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی بسوی زندگی بهتر و با انسانی‌تر است. توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه فنی و تکنولوژیکی از ابعاد مهم توسعه‌اند.

۲-۱- نوسازی

واژه مدرنیزاسیون (modernization) به نوسازی، امروزی شدن و تجدید ترجمه شده است. دانیل لرنر (Daniel Lerner) بر این عقیده است که نوسازی فرآیند تغییر اجتماعی به نحوی که کشورهای کمتر توسعه یافته

معرف جوامع توسعه نیافته را کسب کنند. در تعریف دیگری از نوسازی آمده است:

نوسازی فرآیندی است که به واسطه آن جوامع کشاورزی به جوامع صنعتی انتقال پیدا می‌کنند. این انتقال در بردارنده توسعه تکنولوژی صنعتی پیشرفته و انتظام‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که برای هدایت و بهره‌گیری از تکنولوژی مناسب هستند.

خلاصه اینکه نوسازی انتقال جوامع متکی بر زمین را به جوامع صنعتی گویند. این گذار با توسعه تکنولوژی صنعتی پیشرفته با نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مناسبی که تکنولوژی را جهت داده و از آن نگهداری می‌کند، همراه است. هدف نوسازی رسیدن به توسعه اقتصادی نسبتاً باثبات است.

دیوید آپتر (David Apter) در کتاب "سیاست نوسازی" نوسازی را نوع خاصی از توسعه می‌داند. به زعم آپتر، نوسازی سه شرط دارد. نظام اجتماعی که بطور مداوم و بدون وقفه نوآوری دارد و دارای ساختار اجتماعی قابل انعطاف و شبکه

(Fragmentation) اتفاق می‌افتد.

۳- اهمیت و ضرورت یکپارچه‌سازی اراضی

استراتژی نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی یکی از مهمترین استراتژی‌های بخش کشاورزی است. مهندس ذوقی در مقاله‌ای تحت عنوان "استراتژی یکپارچه‌سازی اراضی تحت کشت و کار خانوار روستایی" در خصوص اهمیت و لزوم یکپارچه‌سازی اراضی می‌نویسد:

«اطلاعات مؤید آن است که مقدار تولید محصولات کشاورزی، خوراکی اصلی در کشور، تکاپوی نیاز غذایی جمعیت رو به افزایش کنونی را نمی‌کند. در حال حاضر شکاف میان عرضه و تقاضا در محصولات کشاورزی، از طریق توسل به بازارهای جهانی تأمین می‌شود و هم مسائل مربوط به تجارت جهانی محصولات غذایی، روز به روز پیچیده‌تر و سیاسی‌تر می‌شود. در نتیجه، به طور طبیعی مسأله تهیه و تأمین کسری تولیدات غذایی داخلی از خارج روز به روز دشوارتر و عدم امنیت غذایی در کشور شدیدتر خواهد شد.»

از این جهت توسل به الگوهای مختلف و استراتژی‌های گوناگون توسعه در واقع کوششی برای درمان این عدم توازن است. ایران نیز دارای مشکلات عدیده‌ای در این زمینه است. بر این اساس، گرچه بازدهی اندک تولید محصولات کشاورزی در کشور که به طور عمده ناشی از ضعف تکنولوژیک و عدم آشنایی با فنون و قواعد نوین تولید کشاورزی سبب شده است که تقریباً در همه زمینه‌های تولید مواد غذایی، دچار کمبود باشیم و هر ساله منبع زیادی از درآمد نفت کشور، صرف واردات محصولات غذایی به کشور شود. اما نمی‌توان تأثیر محسوس عدم یکپارچگی اراضی کشاورزی در روستاها را به عنوان قطبهای اصلی تولید به دیده اغماض نگریست.

بدون شک در کنار علل عمده وجود نارسایی‌های مختلف در بخش کشاورزی، از قبیل سوددهی کم و طول‌المدت سرمایه‌گذاری، کمبود نهادهای تولید، عدم انطباق سیاست‌های سایر بخشها با بخش کشاورزی، نارسایی در سیستم

خدمات بهداشتی و درمانی، کمبود سرمایه اقتصادی، وجود واسطه‌ها و پیلهوران به عنوان روابط بین شهر و روستا، تسلط مناطق شهری از طریق سایر عوامل و موانع بازاریابی در توسعه کشاورزی در روستا و تعیین قیمت تولیدات کشاورزی و کالاهای مورد نیاز روستاییان توسط آنها و تعیین قیمت پایین برای محصولات کشاورزی از سوی دولت از جمله دیگر عوامل محدودکننده تولید در روستاها و بخش کشاورزی است. بطور کلی منطقه‌ای کردن و یکپارچه نمودن کشت، یکی از روشهایی است که در توسعه کشاورزی اهمیت شایانی دارد. یکپارچه‌سازی اراضی تنها در چهارچوب یک برنامه ریزی کلی در سطح مملکتی امکان‌پذیر است. بدین معنی که براساس ویژگی‌های اقلیمی و تناسب خاک و آب، برنامه و خط‌مشی کلی کشت و کار در مناطق مختلف تعیین می‌شود و با در نظر گرفتن کلیه نیازها، رتوس برنامه تنظیم می‌گردد. بدین ترتیب استفاده بهینه از منابع آب و خاک میسر می‌شود تا ضمن تناسب شرایط با کشت اصولی معین، امکان توسعه سایر پارامترها، نظیر ماشین‌آلات و نهاده‌ها فراهم شود و در عین حال که کشاورزان در کشت یا کشت‌های معین مهارت و تخصص بیشتری کسب می‌نمایند، در افزایش راندمان و بازدهی نیروی کار نیز مؤثر باشند. اصولاً منظور از یکپارچه کردن کشت این است که تمامی اراضی زارعان در یک منطقه یکپارچه شده و سپس به کشت یک محصول خاص که به نظر محققین بالاترین راندمان را دارد و با شرایط محیطی و اقلیمی نیز به خوبی سازگار باشد، اختصاص یابد. مایکل تودارو در این خصوص می‌نویسد:

واقعیت این است که هرچند مشکل اساسی اراضی آمریکای لاتین کنترل مقدار زیادی زمین توسط عده قلیلی از افراد است. در عین حال، مشکل اساسی آسیا تراکم عده بسیار زیادی از افراد بر روی زمینهای بسیار کوچک است. و زمینهای دهقانان در آسیا به قسمت‌های جزء تقسیم شده و چند پارگی اراضی یا قطعه قطعه شدن اراضی (Land

اجتماعی است که مهارتها و دانش‌های لازم زندگی را در یک دنیای پیشرفته تأمین می‌کند. صنعتی شدن جنبه خاصی از نوسازی است و مربوط به دوره‌ای از جامعه است که قواعد استراتژیک آن با تولید سر و کار دارد. احتمال رسیدن به نوسازی بدون چنین وضعیتی وجود دارد اما صنعتی شدن بدون نوسازی امکان‌پذیر نیست.

لازم به ذکر است که جامعه‌ای کم و بیش مدرنیزه در نظر گرفته می‌شود که اعضای آن از قدرت‌های مادی استفاده کنند و یا ابزاری را به کار ببرند که کارایی (Efficiency) آنها را چند برابر کند.

نوسازی روانی (روانشناختی)، نوسازی اجتماعی، نوسازی اقتصادی، نوسازی سیاسی و نوسازی تکنولوژیکی از ابعاد مهم نوسازی است.

۳-۱- استراتژی یکپارچه‌سازی

از استراتژی می‌توان به "مجموعه‌ای از خط‌مشی‌های عمومی که راه و روش نیل به هدفهای نهایی را معلوم و مشخص می‌نماید"، یاد نمود. بخش کشاورزی نیز به عنوان یکی از مهمترین زیربخشهای نظام اقتصادی کشور باید دارای استراتژی‌های مشخصی باشد که اهداف بلندمدت این بخش را تبیین نماید. نظر به این که توسعه بخش کشاورزی را به عنوان یک هدف، می‌توان منوط به استفاده بهینه از آب، زمین، نیروی انسانی، مکانیزاسیون و دیگر عوامل مؤثر در تولید دانست.

۲- طرح مسأله

رشد تولید محصولات زراعی در ایران، با وجود بکار بردن ماشین‌آلات، کودهای شیمیایی، سموم و بذره‌های اصلاح شده و استفاده از شیوه‌های نوین زراعی، هنوز با مصرف داخلی و رشد آن فاصله‌ای قابل ملاحظه دارد.

به طور کلی کمبود تولیدات کشاورزی در ایران، علاوه بر محدودیت سطح زمین‌های زیرکشت و پایین بودن بازده تولید، علتهای دیگری نیز دارد. روابط اقتصادی نابرابر و غیرعادلانه در روستاها، همراه با کمبود و یا نبود وسایل ارتباطی، بالا بودن سطح بی‌سوادی، نبود یا کمبود

عوامل اصلی اند. با بکارگیری کار بیشتر در قطعات در حال کوچک شدن زمین، قانون بازده نزولی عمل می‌کند.

کشاورزی معیشتی فعالیت است بسیار خطرناک و نایمن. و با توجه به اینکه جان انسانها نیز در میان است خطرات این فعالیت بیشتر می‌شود و در مناطقی که مزارع فوق‌العاده کوچک‌اند و کشت و زرع به عدم اطمینان از نزول بارانهای بسیار متغیر منوط است متوسط تولید پایین است و در سالهای بد دهقان و خانواده‌اش با خطر کاملاً واقعی قحطی روبرو می‌شوند. در این شرایط نیروی محرکه اصلی در زندگی دهقان ممکن است به حداکثر رساندن شانس بقای خانواده‌اش باشد.

مرحله دوم: گذار به کشت مختلط و متنوع

کشت متنوع یا مختلط نمایانگر اولین قدم منطقی در گذار از تولید صنعتی به تخصصی است. در این مرحله محصولات ضروری دیگر بر تولید مزرعه غالب است.

مرحله سوم: از تنوع تا تخصص: کشت تجاری جدید.

مرحله تخصصی نمایانگر آخرین و پیشرفته‌ترین مرحله مالکیت فردی در اقتصاد مبتنی بر بازار مختلط است. این نوع کشاورزی رایج‌ترین نوع کشاورزی در کشورهای صنعتی پیشرفته است.

در مزارع تخصصی، دیگر تهیه مواد غذایی برای خانواده به همراه مقداری مازاد قابل فروش محرک اصلی نیست. سود تجارتي محض معیار موفقیت می‌شود و حداکثر سازی بازده در هر هکتار هدف فعالیت مزرعه است. تولید تماماً برای بازار است. مفاهیم اقتصادی مانند هزینه‌های ثابت و متغیر، پس‌انداز، سرمایه گذار و نرخ بازده، ترکیب مطلوب عوامل، حداکثر امکانات تولید، قیمت‌های بازار و حمایت از قیمت‌ها و... اهمیت کمی و کیفی پیدا می‌کند.

۵- عوامل اساسی رکود محصولات کشاورزی

بطور مقدماتی می‌توان اظهار داشت پراکندگی روستاها در ایران، کمبود آب و



به این ترتیب از دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و خارجی، پراکندگی اراضی کشاورزان، دارای معایب زیادی از جمله: افزایش هزینه‌های تولید، کاهش راندمان تولید، کاهش راندمان آبجاری، افزایش اتلاف وقت زارعین، کاهش راندمان ماشین‌آلات، ایجاد مسائل قوی و اجتماعی، عدم توانایی انجام امور زیربنایی مثل زهکشی و در نهایت مشکل بودن مکانیزاسیون کشاورزی می‌باشد، اجرای طرح ملی و منطقه‌ای تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی کشور ضروری و با اهمیت تلقی می‌گردد.

۴- مراحل توسعه کشاورزی

با ملاحظه فرآیند توسعه، کشاورزی دارای سه مرحله عمده است:

مرحله اول: کشت معیشتی، پرخطر و نایمن.

در این نوع کشت که غالباً سنتی است تولید و مصرف برابرند و یک یا دو محصول ثابت (معمولاً گندم، جو و برنج) منابع اصلی مواد غذایی را تشکیل می‌دهد. تولید و بهره‌وری پایین است و فقط سساده‌ترین ابزار بکار می‌رود. سرمایه‌گذاری حداقل است و زمین و کار

قیمت‌گذاری، کمبود تحقیقات کاربردی و... باید از یکپارچه‌سازی اراضی و اقتصادی نبودن مساحت قطعات زراعی به عنوان مهمترین عامل که در روند بهبود و افزایش تولیدات کشاورزی نقش منفی داشته است نام برد.

براساس مطالعاتی که توسط صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری ایران در زمینه مالکیت و قطعات میزروعی در اراضی پراکنده و خرد به عمل آمده است، مواردی را می‌توان دید که مثلاً یک مالکیت ۱۱ هکتاری در ۵۴ قطعه و یک مالکیت ۶ هکتاری در ۲۸ قطعه مجزا قرار دارند. در ناحیه کارون میانی در خوزستان، یک مالکیت ۳/۷ هکتاری در ۱۳ قطعه، ۲۲ هکتاری در ۲۲ قطعه، ۱۱/۶ هکتاری در ۲۳ قطعه مجزا قرار گرفته است. کوچک بودن واحدهای تولید و پراکندگی قطعات اراضی کشاورزی یک زارع بهره‌بردار به شرحی که نمونه‌های آن ارائه شد و عموماً در ارتباط با مالکیت است تنگناهایی را برای تجهیز زیربنا، کاربرد ماشین‌آلات کشاورزی، افزایش راندمان آبجاری و استفاده از روش‌های پیشرفته تولید ایجاد کرده است.

برای محیط طبیعی روستا نامناسب است بلکه مهمتر اینکه اغلب موجب بیکاری بیشتر روستاییان می‌شود.

با توجه به اینکه تکنولوژی و دانش فنی از عوامل مهم ظرفیت‌ساز کشور است متأسفانه در کشاورزی ایران استفاده از تکنولوژی و دانش فنی، آن‌چنان که باید جای مهمی ندارد. استفاده مطلوب از دانش و آگاهی فنی، حاصل خود را در بازدهی بیشتر در واحد سطح نشان می‌دهد.

۷- تقطیع اراضی: عوامل مؤثر بر آن
عمده‌ترین عوامل مؤثر بر تقطیع اراضی عبارتند از:

۱- تناوب زراعی

رعایت تناوب کشت، از دیرباز به منظور استفاده عقلایی از زمین و افزودن بر میزان حاصلخیزی خاک در روستاها معمول بوده است. دوره تناوب و جایجایی محصولات برحسب شرایط جغرافیایی و اقلیمی در نقاط مختلف، متفاوت بوده است. لیکن شاید بتوان شکل غالب تناوب را به صورت تقسیم اراضی به سه قسمت بالنسبه مساوی دانست.

۲- موقعیت طبیعی زمینی

۳- اقتصاد خود مصرفی

۴- افزایش جمعیت

(رشد جمعیت روستاها در غالب موارد بر رشد اراضی زراعی پیشی گرفته است) در مواردی که به دلیل کمبود آب، اشکال افزایش زمین‌های زیرکشت و اگذاری آنها توسط مالک به افراد دیگر نبوده است، بعضاً با کاهش زمین هریک از واحدها بهره‌برداری قسمتی از اراضی را در اختیار زارعین جدید که غالباً فرزندان یا وابستگان زارعین صاحب نسق بوده قرار داده‌اند.

۵- ارض

۶- خرید و فروش

با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد چنانچه نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی مهم شناخته شود، برنامه‌ریزان توسط کشاورزی کشور بایستی اقدامات

می‌تواند به طور مستقیم و یا غیرمستقیم راندمان تولید را افزایش دهد و از آن می‌توان به عنوان یک نوآوری یاد کرد. اما این ابزار پیشرفته در صورتی می‌تواند یک تکنیک مؤثر باشد که هزینه‌های کل اجتماعی را کاهش و تولید حقیقی ملی را افزایش دهد.

مسأله اساسی این است که استفاده از تکنیک پیشرفته و به اصطلاح مدرنیزاسیون نمی‌تواند تنها به طور فیزیکی و تزریق کورکورانه ابزار پیشرفته تولیدی در یک محل و یا به وسیله گروه مشخصی از افراد صورت گیرد، بلکه نوسازی باید یک جریان مداوم، عمومی و مردمی باشد. یعنی جنبه همگانی داشته باشد. زیرا حتی اگر هم چنین نوسازی با حرکت کند و بطئی پیش برود باز در مقایسه با نوسازی در واحدهای کوچک و پراکنده که توسط خود یا گروهی کوچک و در یک منطقه نمونه صورت می‌گیرد مفیدتر و با اهمیت‌تر خواهد بود، مدرنیزه کردن واحدهای کوچک و پراکنده، اگرچه اغلب برای توسعه اقتصاد روستایی میسر نشد و اشاعه تکنیک پیشرفته در مملکت لازم است اما چنانچه درست و با برنامه‌ریزی دقیق، با حمایت از تولیدکنندگان خرده‌پا صورت نگیرد نمی‌تواند تولید ملی را افزایش داده و باعث توسعه گردد.

در اکثر کشورهای در حال توسعه تکنولوژی جدید (New Technology) کشاورزی و نوآوری (Innovation) در عملیات زراعی شرط اولیه، پیشرفت مداوم تولید و بهره‌وری است. دو عامل فوق می‌تواند بازده مزرعه را افزایش دهد و اثرات متفاوتی در توسعه کشاورزی کشورهای کمتر توسعه یافته بجای گذاشته است که اولین اثر آن باب کردن کشاورزی مکانیزه است که جایگزین کار انسان شود. معمول شدن مناطق کاراندوز می‌تواند اثر چشمگیری در حجم تولید هر کارگر داشته باشد. به ویژه در مناطقی که کشت در زمین وسیعی صورت گیرد و نیروی کار کمیاب است ولی در مناطق روستایی که قطعات زمین کوچک، سرمایه کمیاب و نیروی کار فراوان است باب شدن روشهای مکانیزه نه تنها اغلب

کوچک بودن زمین‌های کشاورزی آبی و خودکفایی نسبی روستاها به دلیل در کنار هم و مرتبط به هم بودن فعالیت‌های زراعی، دامداری و صنایع دستی ایران را می‌توان از جمله دلایل رکود محصولات کشاورزی در فرآیند توسعه دانست.

واقعیت این است که در کشورهای در حال توسعه، نسبت اشتغال کشاورزی به کل اشتغال دو برابر نسبت تولید کشاورزی به کل تولید است. این امر صرفاً سطح نسبتاً پایین بهره‌وری، کارگر کشاورزی را در مقایسه با صنایع کارخانه‌ای و تجارت منعکس می‌کند.

عدم توجه نسبی به بخش کشاورزی، تمایل فزاینده به سرمایه‌گذاری در بخش خدمات و صنعت شهری، مهاجرت روستاییان به شهرها و پاره‌شدگی یا قطعه قطعه شدن اراضی که خود تا حد زیادی ریشه در رشد فزاینده جمعیت (رشد داخلی) و نظام ارض دارد. از دیگر عوامل رکود محصولات کشاورزی در ایران است. لذا می‌توان ادعای داشت که عقب‌ماندگی عملیات زیربنایی تجهیز و نوسازی مزارع نسبت به تأسیسات منابع آب، بالا بودن میزان تلفات آب و خاک با توجه به حداقل قابل قبول، نبود نظام تشکل بهره‌برداران و مصرف‌کنندگان برای مشارکت در عملیات زیربنایی و مدیریت بهره‌برداری از تأسیسات، وجود موانع اجتماعی در مسیر اجرای برنامه‌های بازسازی جنگل‌ها و... نبود فن‌شناسی (تکنولوژی) مناسب برای شناسایی صنایع و طبقه‌بندی آنها، پراکنده بودن روستاها و آبادی‌های کشور و یکپارچه نبودن زمین‌ها و کوچک بودن قطعات زراعی، عدم تناسب بازده سرمایه‌گذاری زیربخش زراعت و باغبانی در مقایسه با سایر بخشها و... از دیگر علل رکود و ضعف بخش کشاورزی در ایران می‌باشد.

۶- کاربرد تکنولوژی در توسعه کشاورزی

پیشرفت تکنیک تولید، عبارت از بهتر شدن ابزار و وسایل تولید به وسیله یک شخص یا یک گروه برای ارضای نیازهایشان است. استفاده از یک ابزار جدید و پیشرفته

اثربخشی در زمینه یکپارچه‌سازی اراضی را انجام دهند و اولین قدم آنها باید مستوقف کردن روند تقطیع اراضی در روستاها باشد.

۸- یکپارچه‌سازی اراضی: بیان دیدگاهها

دکتر اسماعیل شهبازی معتقد است: قطعات کوچک پراکنده و دور از هم اراضی ملکی هر خانوار کشاورز، نه تنها از جهات انتقال آب و کاربرد ماشین‌آلات و مواد و ابزار و ادوات نوین تولید در آن قطعات موجب محدودیت‌های جدی در حین جریان عملیات زراعی است، بلکه از لحاظ توزیع نیروی کار و مدیریت مزرعه و ضرورت تردهای مکرر در بین قطعات، اشکال افزایش قابل ملاحظه عملکرد زراعی و در نتیجه سودآوری عملیات زراعی را شدیداً کاهش می‌دهد.

خانم فاطمه ظفرنژاد نیز کوشش در جهت یکپارچه‌سازی اراضی تحت کشت یک خانوار را به منظور ماشین‌آلات و اقتصادی نمودن کشت و کار و در مقیاس بزرگتر توانایی اجرای طرح‌های توسعه کشاورزی با اتکا به شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی و جلوگیری از اتلاف آب در نهرهای سنتی را امری الزامی در سراسر کشور و از اجزای طرح توسعه کشاورزی می‌داند. دکتر محمد بای‌بوردی در خصوص ارتباط میان راندمان آبیاری و یکپارچه‌سازی می‌نویسد:

وجود قریب به ۷۳ میلیارد مترمکعب آب کشاورزی که باید دست‌کم هفت میلیون هکتار از اراضی آبی کشور را به نحو احسن آبیاری نماید در عمل چنین نیست و کل سطح زیرکشت آبی کشور در ایران حدود ۵-۳ میلیون هکتار تخمین زده می‌شود.

وزارت جهاد کشاورزی معتقد است بخش عمده تلفات آب در آبیاری اراضی در حدود ۲۰ میلیارد متر مکعب در سال، در ضمن انتقال (به دلیل قطعه قطعه بودن اراضی) صورت می‌گیرد.

هانا (۱۹۶۵) معتقد است در اراضی پراکنده علاوه بر آنکه زارعین با تلفات وقت و مشکلات غیرکارا بودن مواجه می‌گردند در امر آبیاری و عملیات

محافظت خاک نیز با مشکلاتی روبرو می‌شوند.

سیمونز معتقد است که پراکندگی اراضی باعث می‌شود هزینه‌های اضافی در تولید محصولات پدید آید که عمدتاً ناشی از افزایش نیروی کار لازم و همچنین تلفات آب است. علاوه بر آن همواره مقداری زمین به منظور ایجاد مرزبندی در بین قطعات بدون استفاده مفید از دسترس خارج می‌گردد.

هالت و کونرت اعتقاد دارند که پدیده اراضی پراکنده از بکارگیری تکنیکهای مدرن و مکانیزه جلوگیری به عمل آورده و نیز کارایی نیروی کار را کاهش می‌دهد.

۹- خلاصه و نتیجه‌گیری

از دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و خارجی پراکندگی اراضی کشاورزان، دارای معایب زیادی است که عمده آن عبارتند از:

- افزایش هزینه‌های تولید
- کاهش راندمان تولید
- کاهش راندمان آبیاری
- افزایش اتلاف وقت زارعین
- کاهش راندمان ماشین‌آلات
- ایجاد مسائل قومی و اجتماعی
- عدم توانایی انجام امور زیربنایی مثل زهکشی

- مشکل بودن مکانیزاسیون کشاورزی بدیهی است درک مزایای یکپارچگی اراضی و معطوف نمودن توجه آنان به معایب پراکندگی اراضی از طریق فعالیتهای آموزشی و ترویجی و ارائه حمایت‌های اعتباری و خدماتی لازم، می‌تواند کشاورزان را نسبت به پذیرش برنامه، ترغیب نماید.

همچنین از نقطه‌نظر سرمایه‌گذاری نیز یکپارچگی اراضی باید با دوراندیشی زیاد توأم باشد و تغییرات طولانی مدت وضعیت اراضی زراعی و روشهای بهره‌برداری را مورد توجه قرار می‌دهد. زیرا جبران هزینه‌ها و رسیدن به مرحله سوددهی، نیازمند مدت زمانی طولانی می‌باشد.

* استادبار و معاون پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر

منابع و مأخذ:

- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: مؤسسه نشرکلمه، ۱۳۷۷.
- رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- نودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در چهار سوم (جلد اول)، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۶.
- کامران، فریدون، توسعه و برنامه‌ریزی روستایی، تهران: آوای نور، ۱۳۷۴.
- عظیمی، حسین، مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
- واگو، استفان، درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی، ترجمه: احمدرضا غروی‌زاد، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- نراقی، یوسف، توسعه و کشورهای توسعه‌نیافته، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.
- شهبازی، اسماعیل، استراتژی‌های توسعه کشاورزی، تهران: دفتر امور تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱۳۶۸.
- طالب، مهدی، نقش واحدهای بهره‌برداري خانوادگی در توسعه کشاورزی، تهران، ۱۳۶۷.
- ظفرنژاد، فاطمه، نظام‌های بهره‌برداری موجود، ایران، تهران، ۱۳۶۷.
- صندوق مطالعاتی بهره‌برداری ایران، تهران: صندوق مطالعاتی بهره‌برداری ایران، ۱۳۷۱.
- ذوقی، محمد، استراتژی یکپارچه‌سازی اراضی تحت کشت و کار خانوار روستایی (ماهنامه جهاد)، شماره ۱۸۷-۱۸۶، تهران، ۱۳۷۵.
- پیران، پرویز، برنامه‌ریزی توسعه برون‌زا، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵، تهران، ۱۳۶۷.
- سایر منابع عبارتند از:**
- هیوان دی، دیاس، درسامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی، تهران: وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۶۸.
- رزاقی، ابراهیم، الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، تهران: نشر توسعه، ۱۳۷۰.
- ماریو گونج - میرا، توسعه منطقه‌ای (روشهای نو)، ترجمه: عباس مخبر، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸.
- هریسون، دیوید، جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه: دکتر علیرضا کلامی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۶.
- محسنی، رضاعلی، جزوه جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- محسنی، رضاعلی، استراتژی توسعه در جهان سوم (قسمت اول و دوم)، مقاله چاپ شده در هفته‌نامه آفرینش، تهران، ۱۳۷۲.

بقیه از صفحه ۴۶

ایجاد می‌شود. به نحوی که خود را در سود و زیان شرکت سهیم دانسته سعی دارند در پیشبرد هرچه بیشتر اهداف مؤثر واقع شوند و ازسوی دیگر در اثر رشد خلافت و نوآوری در آنها، زمینه برای عرضه خدمات بیشتر فراهم می‌گردد.

ب - جنبه اقتصادی آثار مشارکت

دانشمندان علم مدیریت به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت مشارکتی از لحاظ اقتصادی نقش و آثار مهمی در بهتر شدن تولید و اداره امور و عرضه خدمات دارد

تصمیم‌گیری در تعاونیها

یکی از مهم‌ترین سطوح مشارکت، مشارکت در تصمیم‌گیریهاست.

منظور از تصمیم‌گیری مشارکتی، سیستم مدیریتی است که در آن اعضا در تصمیم‌هایی که اتخاذ می‌شود صاحب نفوذند یا در تعریفی دیگر، درگیری ذهنی و فکری فرد در موقعیت گروهی است که او را در جهت کمک به اهداف گروهی تشویق می‌کند و در مسؤلیت سهیم می‌نماید. مشارکت برای کارکنان به معنی پذیرش بیشتر آنان بوده و در جهت افزایش پایبندی روانی، انگیزش و رضایت کارکنان می‌باشد افرادی که در تصمیمات شرکت می‌جویند احساس می‌کنند سازمان متعلق به آنهاست و هدف او با هدف سازمان یکی است. مشارکت، خود احترامی، رضایت شغلی و همکاری با مدیریت را بهبود می‌بخشد و باعث کاهش نعارضات و استرس و موجب تعهد بیشتر به اهداف گردیده و بذورش تغییر را تسهیل می‌کند

مجمع عمومی یکی از مهمترین ابزارهای مشارکت اعضا در تعاونیها

مجمع عمومی اولین و اصلی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری و جلوه مشارکت و مسؤلیت‌پذیری اعضا در شرکتهای تعاونی محسوب می‌شوند طبق ماده ۲۳ از اساسنامه نمونه شرکتهای تعاونی وظایف مجمع عمومی به شرح زیر است

- ۱- انتخاب هیأت مدیره بازرسان یا بازرسان
- ۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم در باره ترازنامه و حساب سود و زیان، گزارش

تغییرات اعضا و سرمایه و سایر گزارشهای مالی هیأت مدیره پس از قرائت گزارش بازرسان یا بازرسان

۳- تعیین خط مشی و برنامه تعاونی و تصویب بودجه جاری و سرمایه‌گذاری و اعتبارات و وامهای درخواستی و سایر عملیات مالی به پیشنهاد هیأت مدیره

۴- اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش یا کاهش سرمایه در حدود قوانین و مقررات

۵- اخذ تصمیم نسبت به ذخایر و پرداخت سود و مازاد درآمد و تقسیم آن طبق اساسنامه

۶- تصویب مقررات و دستورالعمل‌های داخلی تعاونی

۷- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهیهای تعاونی در صورتی که تعداد اعضایش بیش از یکصد عضو باشد

۸- اتخاذ تصمیم در مورد عضویت یا لغو عضویت تعاونی در شرکتها و اتحادیه‌ها و اتاق تعاون و تعیین میزان سهام یا حق عضویت سالانه پرداختی

۹- اخذ تصمیم در باره گزارش‌ها و پیشنهادهای حسابرسان براساس نتایج حسابرسی

۱۰- تصویب نحوه تقویم آورده‌های غیر نقدی اعضا و دیگر ضوابط راجع به آن

۱۱- تصویب آیین‌نامه حداقل و حداکثر حقوق و مزایای هیأت مدیره و پاداش آنان که بعد از تأیید وزارت تعاون قابل اجرا است

۱۲- تصویب آیین‌نامه وظایف اختیارات و حقوق و مزایای مدیر عامل

۱۳- سایر وظایف که قوانین و مقررات برعهده مجمع عمومی عادی قرار می‌دهد

برگزاری مجمع عمومی و آنچه در آنها می‌گذرد در حقیقت راز شکوفایی تعاونیها و ایفاگر بخشی از نقش موسسات مزبور در بنای ساختار اجتماعی و اقتصادی

متحول و متفاوت با شیوه‌های کهن و مرسوم داد و ستد مبتنی بر مالکیت خصوصی است. مزیت بزرگ تعاونیها که

اثر آن قبل از همه در مجمع عمومی ظاهر می‌شود ارزش نهادن به مشارکت افراد جامعه در اداره امور اقتصادی مربوط به خود و در عین حال مؤثر در

وضعیت جامعه و نیز اعتبار بخشیدن به نظرات اعضا در باره عملیات تعاون است.

مزیت موصوف از آنجا ناشی می‌شود که در این مجامع همه اعضا در شرایط

برابری قرار دارند و از حق رای مساوی برخوردارند این تفویض قدرت برابر و مستقل از میزان سرمایه اعضا که عامل گرانقدر و بسی مانندی از فهرست ارزش‌های بخش تعاون است بی آنکه به قصد انکار نقش سرمایه در پیشرفت امور اقتصادی مبتنی باشد به نسبت توسعه مشارکت عضو و افزایش مسؤلیت وی در قبال سرنوشت خویش و مصالح جامعه پدید آمده است.

در موسسات تعاونی منشأ اصلی قدرت در سطوح پایین قرار دارد یعنی قدرت در دست مجموعه اعضا شرکت تعاونی است و از ارتباط و اتحاد ایشان با یکدیگر و پیوندشان با موسسه مشترک سرچشمه می‌گیرد در واقع وجه امتیاز و قدرت شرکتهای تعاونی در نوع مشارکت و کمکی است که هریک از اعضا به منظور تحقق مصلحت مشترک در کار موسسه تعاونی به عمل می‌آورد.

مسؤلیت اداره کار و حسن جریان شرکت تعاونی ملازم با اختیاری است که اعضا تعاونیها از آن برخوردارند. عضو تعاونی با آگاهی کامل از مسؤلیت‌های ناشی از عضویت در شرکت تعاونی به استقبال آن می‌رود. زیرا می‌داند که در اداره امور شرکت اختیار اظهار نظر دارد می‌داند که نظر او و هم پیمانان اوست که خط مشی شرکت را تعیین میکند می‌داند که اعضا تعاونیها با آزادی کامل و بهره‌مند بودن از تساوی حق رای راه و روش اداره موسسه را که خود تشکیل دهنده آن هستند تعیین می‌کنند.

عضو شرکت تعاونی می‌داند که مجمع عمومی عالی‌ترین رکن شرکت برای اخذ تصمیم است و این در مجمع است که هر عضو یک رای دارد و این حق را هیچ عاملی نمی‌تواند تضعیف کند.

مجمع عمومی در شرکتهای تعاونی محفل آزادی و دموکراسی واقعی است و اعضا شرکت با درک مسؤلیتی که بر عهده دارند از اختیار خود در راه بهبود کیفیت خدمات و اعتلا نقش شرکت

تعاونی در تأمین رفاه اجتماعی استفاده می‌کنند.

مزایا و نتایج حاصل از تصمیم‌گیری برای مشارکت

- با مشارکت دادن افرادی که بیشترین آگاهی را دارند، تصمیمات بهتری گرفته می‌شود و کیفیت کار انجام شده از طریق جمع‌آوری اطلاعات و تصمیم‌گیری بهینه افزایش می‌یابد.

- اهداف مدیریت و کارکنان در جهت اهداف سازمان هرچه بیشتر به هم نزدیک می‌گردد که نتیجه آن افزایش اثر بخشی است.

- میزان تعهد و وفاداری افراد نسبت به اجرای تصمیمات افزایش می‌یابد.

- افراد به نقاط قوت و ضعف خود در توانایی‌ها، مهارت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات واقف می‌گردند.

- توانایی‌های بالقوه افراد فرصت فعالیت یافته، افکار و ایده‌های تازه شکوفا شده و محیطی مناسب برای خلاقیت و ابداع فراهم می‌شود.

حاشیه نشینی از بین رفته، فرهنگ سکوت در هم می‌شکند.

- یکنواختی و کسالت ناشی از رویه‌های یکنواخت اداری از بین رفته و هیجان ناشی از درگیر شدن در یک موضوع تازه ایجاد می‌گردد و شیوه‌ای برای مقابله با مشکلات روانی ناشی از تقسیم کار فراهم می‌شود.

- تغییر و تحول سازمانی سهولت یافته و مقاومت در برابر تغییر از بین می‌رود.

- غیبت، تأخیر، کم‌کاری و ترک خدمت کاهش می‌یابد.

- رقابت سالم ایجاد می‌شود.

- سطوح مدیران میانی کاهش می‌یابد.

- کیفیت زندگی کاری بهبود می‌یابد.

- احساس مهم و با ارزش بودن در سازمان برای افراد مشارکت‌کننده ایجاد می‌گردد.

دلایل عدم مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمان

برای آنکه تصمیمات مشارکتی با موفقیت اجرا شوند باید موانعی را که بر سر راه اجرای موفقیت‌آمیز آنان وجود

به علت حجم زیاد کارها

۱۱- دلیل اداری و محرمانه بودن

برخی از طرحها

به طور کلی می‌توان تصمیم‌گیری

مشارکتی را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱- موانع قانونی و ساختاری

۲- موانع اجتماعی و فرهنگی

۳- موانع زمانی، شخصیتی و حرفه‌ای

در واقع برقراری واقعی اهداف بخش

تعاون جز از راه به کارگیری شیوه‌های

مشارکت‌جویانه در جهت جلب

مشارکت اعضا در اداره امور مربوط به

شرکت خود ممکن نخواهد بود و در ارائه

راهکارهای مناسب و موثر در این زمینه

اولین گام، شناخت موانع و عوامل

محدودیت‌ها در رابطه با مشارکت اعضا

در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره امور

تعاونی‌هاست تا بتوان با استفاده از این

یافته‌ها، اقداماتی را در جهت رفع این

موانع، برنامه‌ریزی و در نهایت به اجرا در

آورد. در این تحقیق سعی شده است

عوامل موثر بر مشارکت اعضا در

مدیریت تعاونیها بالاخص مشارکت در

تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره امور

تعاونیهای کشاورزی در سطح استان تهران

را از دیدگاه مدیران و اعضا مورد مطالعه

و شناسایی قرار داده و راهکارهای موثری

را در جهت رفع این موانع و

محدودیت‌های احتمالی پیشنهاد

کرد. بدون شک هرگونه مطالعه و بررسی

در این زمینه می‌تواند اقدامی مفید در

جهت ترقی جایگاه تعاونی و اداره حیات

موفق این تشکله‌ها محسوب گردد

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها

و همبستگی بین متغیرها نشان می‌دهد که

- بین سن اعضا و میزان مشارکت آنان

در تصمیم‌گیری‌های تعاونی رابطه مثبت و

معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد به

عبارت دیگر هرچه سن اعضا بالاتر بوده

است میزان مشارکت آنان در

تصمیم‌گیری‌های تعاونی بیشتر می‌باشد.

البته قابل توجه است که این نتیجه تا حد

زیادی متأثر از طیف سنی اعضای تعاونی

است که اقلتر جوان بین ۳۰ تا ۴۰ سال

را در بر می‌گیرد

مشارکت برای کارکنان

به معنی پذیرش بیشتر

آنان بوده و در جهت

افزایش پایداری روانی،

انگیزش و رضایت

کارکنان می‌باشد افرادی

که در تصمیمات شرکت

می‌جویند احساس

می‌کنند سازمان متعلق به

آنهاست و هدف او با

هدف سازمان یکی

است.

□

دارد شناخته و سپس اقدامی برای رفع آنها نمود از جمله این موانع عبارتند از:

۱- ضعف مدیریت

۲- کمبود آموزشهای لازم برای تحقق

اهداف سازمانی و موثر بودن همکاری

افراد

۳- وجود سبکهای مدیریتی و رهبری

مختلف در هر سازمان

۴- فقدان انگیزش برای کار گروهی در

میان عده‌ای از اعضای گروه

۵- احساس تهدید و خطر ناشی از

مشارکت از سوی هریک از طرفین (ترس

از دست دادن اقتدار و ناتوانی از انجام کار

و مورد سرزنش قرار گرفتن)

۶- عدم وجود خصلت‌های کارگروهی

در میان کارکنان (نداشتن روحیه‌پردازی،

انتقادپذیری و نوآوری و خلاقیت)

۷- مغایر بودن هدفهای فرد و سازمان

۸- احساس عدم تعلق و وابستگی

کارکنان به سازمان

۹- عدم ایجاد یک بستر فرهنگی

مناسب برای مشارکت

۱۰- نبود زمان و فرصت کافی در

اختیار کارکنان و مدیران برای مشارکت

رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین هرچه میزان سود ناشی از فعالیت تعاونی بیشتر باشد میزان مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی بیشتر خواهد شد

- بین میزان برقراری ارتباط مدیران با اعضا و مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین هرچه میزان ارتباط مدیران با اعضا بیشتر باشد در نتیجه مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌ها افزایش پیدا خواهد نمود

نتایج حاصل از بررسی تأثیر فردی متغیرهای مستقل بر وابسته نیز حاکی از آن است که:

- بین شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران در اداره امور تعاونی‌ها از نظر میزان مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی اختلاف معنی‌داری در سطح ۵٪ خطا وجود ندارد به عبارت دیگر شیوه‌های تصمیم‌گیری اعمال شده از سوی مدیران بر میزان مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی تأثیری نداشته است

- بین اعضای شهری و روستایی تعاونی از نظر میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های تعاونی اختلاف معنی‌داری در سطح ۵٪ خطا وجود ندارد. بنابراین شهری یا روستایی بودن مدیران تأثیری در میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی نداشته است

- بین اعضای زن و مرد تعاونی از نظر میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های تعاونی در سطح ۵٪ خطا اختلاف معنی‌داری وجود ندارد بنابراین زن یا مرد بودن اعضا تأثیری در میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های تعاونی نداشته است

- بین مدیران زن و مرد تعاونی از نظر میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی در سطح ۵٪ خطا اختلاف معنی‌داری وجود ندارد به عبارت دیگر زن یا مرد بودن مدیران تأثیری در میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی نداشته است

- بین اعضای که در زمینه اساسنامه و قوانین تعاونی آموزش دیده‌اند و سایرینی که آموزش ندیده‌اند از نظر میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های تعاونی

آنان نسبت به مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی در سطح ۵٪ خطا رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه سابقه عضویت اعضا بیشتر باشد میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های تعاونی بیشتر است

- بین سابقه مدیریتی مدیران و میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌ها توسط مدیران رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین هرچه آگاهی اعضا از قوانین و مقررات تعاونی بیشتر باشد میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های تعاونی نیز افزایش پیدا می‌کند

- بین آگاهی مدیران از قوانین و مقررات تعاونی‌ها و میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه میزان آگاهی مدیران از قوانین و مقررات تعاونی بیشتر باشد میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی توسط آنان بیشتر خواهد بود

- بین علاقه اعضا به کار گروهی و میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های تعاونی رابطه معنی‌داری در سطح ۵٪ خطا وجود ندارد به عبارت دیگر مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی مستقل از میزان علاقه آنان به کار گروهی می‌باشد

- بین علاقه مدیران به کار گروهی و میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد به عبارت دیگر هرچه علاقه مدیران به کار گروهی بیشتر می‌باشد در نتیجه میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی آنان بیشتر است

- بین آگاهی مدیران از اصول مدیریت تعاونی و میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌ها توسط مدیران رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین هرچه آگاهی مدیران از اصول مدیریت تعاونی بیشتر باشد میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی آنان بیشتر صورت می‌گیرد

- بین میزان سود ناشی از فعالیت‌های تعاونی و مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌ها

- بین سن مدیران و میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۵٪ خطا وجود دارد به عبارت دیگر هرچه سن مدیران بالاتر است میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌ها از سوی آنان بیشتر می‌باشد

- بین میزان تحصیلات اعضا و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های تعاونی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۵٪ خطا وجود دارد به عبارت دیگر هرچه سطح تحصیلات اعضا بالاتر می‌باشد میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های تعاونی نیز بیشتر است

- بین تحصیلات مدیران و میزان پذیرش آنان نسبت به مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین هرچه سطح تحصیلات مدیران بیشتر است میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی از سوی آنان بیشتر می‌باشد.

- بین شرکت اعضا در کلاسهای آموزشی و میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های تعاونی در سطح ۵٪ خطا رابطه معنی‌داری وجود ندارد به عبارت دیگر مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی مستقل از شرکت آنان در کلاسهای آموزشی بوده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که حضور اعضا در کلاسهای آموزشی بر میزان مشارکت آنان در امور شرکتی تعاونی تأثیر معنی‌داری ندارد.

- بین شرکت مدیران در کلاسهای آموزشی و میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌ها توسط آنان رابطه معنی‌داری در سطح ۵٪ خطا وجود ندارد به عبارت دیگر میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی توسط مدیران مستقل از شرکت آنان در کلاسهای آموزشی بوده است

- بین سهام اعضا و میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های تعاونی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد به عبارت دیگر میزان سهام اعضا بر مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های تعاونی موثر بوده است

- بین سهام مدیران و میزان پذیرش

اختلاف معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین اعضای آموزش دیده تعاونی بیشتر از سایرین در تصمیم‌گیریهای تعاونی مشارکت داشته‌اند

- بین مدیرانی که در زمینه اسانامه و قوانین تعاونی آموزش دیده‌اند و سایرینی که آموزش ندیده‌اند از نظر میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیریهای تعاونی اختلاف معنی‌داری در سطح ۱٪ خطا وجود دارد بنابراین میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیریهای تعاونی توسط مدیران آموزش دیده بیشتر از سایرین بوده است

بررسی تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان می‌دهد که:

- با توجه به محاسبات انجام شده از طریق آزمون رگرسیون

چند متغیر (روش گام به گام) مشخص گردید از میان متغیرهای مستقل مربوط به اعضای شرکتهای تعاونی به ترتیب متغیرهای سود ناشی از فعالیت‌های تعاونی (X۱۸)

و میزان ارتباط مدیران با اعضا (X۱۹) در طی دو گام وارد معادله حل رگرسیون چند متغیره گردیدند که بیشترین تأثیرات مثبت را در متغیر وابسته میزان مشارکت اعضا در تصمیم‌گیریهای تعاونی در معادله رگرسیون چند متغیره داشته‌اند به عبارت دیگر ۲۴٪ تغییرات متغیر وابسته را متغیرهای مستقل مذکور باعث شده‌اند - با توجه به محاسبات انجام شده از طریق آزمون رگرسیون چند متغیر

در میان متغیرهای مستقل مربوط به مدیران شرکتهای تعاونی به ترتیب متغیرهای سطح تحصیلات آگاهی از اصول و قوانین تعاونیها و علاقه به کارهای گروهی در طی سه گام وارد معادله رگرسیون چند متغیر گردیدند که بیشترین تأثیرات مثبت بر متغیر وابسته میزان پذیرش مشارکت اعضا در تصمیم‌گیریهای تعاونی ۵۹٪ در معادله رگرسیون چند متغیره را داشته‌اند.

پیشنهادات

باتوجه به ضرورت وجودی مشارکت در ساختار شرکتهای تعاونی که قبلاً نیز به

تفسیر آن پرداخته شد و همچنین با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش مواردی به عنوان پیشنهاد در ذیل ارائه می‌گردد: نتایج تحقیق حاکی از آن است که عدم تشکیل به موقع و دفعات کم تشکیل مجامع عمومی یکی از عوامل بسیار موثر در عدم حضور و مشارکت اعضا در تصمیم‌گیریهای شرکت خود می‌باشد تشکیل منظم و به موقع مجامع عمومی و جلسات هیأت مدیره و اعضا، بهترین راه برخورداری از نتایج تقابل اندیشه‌ها و نظرات اعضا و مدیران و تسری مسؤولیت و مشارکت جویی در مجموعه اعضای تعاونی می‌باشد.

تعاونیها فرصت‌های عملی فراوانی را برای فعالیتهای دموکراتیک در اختیار اعضا خود قرار می‌دهند تا از طریق شرکت در مجامع عمومی به نقش انسان آزاد در خودیاری و کمک متقابل و تأمین رفاه اجتماعی پی برند و ارزش وجودی خود را بشناسند. مسؤولیت باید همواره ملزم و همراه اختیار باشد. نمی‌توان از کسی یا گروهی مسؤولیت خواست بدون آنکه به او اختیار داد. عضو شرکت تعاونی می‌داند که مجمع عمومی عالی‌ترین رکن شرکت برای اخذ تصمیم است در این مجمع عمومی است که هر عضو یک رأی و فقط یک رأی دارد و این حق را هیچ عاملی نمی‌تواند تضعیف کند. در مجمع عمومی گزارش هیأت مدیره شرکت، که خود منتخب اعضا تعاونی هستند استماع می‌شود و اعضا تک تک در تأیید آن نظرمی دهند کنترل دموکراتیک به فرد فرد اعضا فرصت می‌دهد که در تعاونی آزاد و با حقوق برابر در کمال هوشیاری، نیازهای خود را تشخیص دهند و با همکاری متقابل از روی اراده و اختیار به تأمین آن همت گمارند.

بنابراین تشکیل به موقع و منظم جلسات مجمع عمومی به عنوان یکی از اهرمهای مهم در جهت تقویت حضور و مشارکت اعضا در سرنوشت شرکت تعاونی محسوب می‌گردد و بدیهی است که این مهم می‌بایست از جانب مدیران شرکت نیز مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد. از سوی دیگر زمانی که مسائل و نارسایی‌ها و ناسامانیهای شرکتهای

اتحادیه‌های تعاونی مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرند. پیوسته ملاحظه می‌گردد که قسمت عمده این مشکلات، ناشی از روش اقتصادی اجتماعی تعاونی و قوانین و مقررات مربوط به آن می‌باشد. از این رو به نظر می‌رسد آموزش در رفع این معضلات امری غیر قابل انکار و ضروری است. از آن جایی که شرکت تعاونی توسط خود اعضا اداره می‌شود، اداره شرکت وقتی با موفقیت همراه خواهد بود که اعضا وظیفه، هدف و روش کار خود را بدانند. اگر کسی نداند که منظور از شرکت تعاونی چیست، اصول تعاونی چه می‌گوید، به چه نحو باید شرکت تعاونی را اداره کرد و چرا عضو تعاونی شده است، چگونه در اداره مؤسسه و سازمانی که خود عضو آن است مشارکت داشته باشد، آن تعاونی موفق نخواهد شد. یک سازمان تعاونی بدون رعایت جنبه آموزشی در کارها و عملیات خود، تعاونی واقعی محسوب نمی‌شود. مثلاً در برخی شرکتهای تعاونی ملاحظه می‌شود که عده‌ای از اعضا بی تفاوت و بی علاقه هستند، در کارهای شرکت تعاونی خود مشارکت ندارند، این نوع اعضا نمی‌دانند شرکت تعاونی چه نوع سازمانی است و گمان می‌کنند تنها وظیفه آنها در مقابل شرکت خودشان خرید سهام می‌باشد و پس از آن از شرکت و کلیه امور آن کناره‌گیری می‌کنند

آگاهی از معلومات و اطلاعات تعاونی برای کلیه اعضای شرکت تعاونی امری ضروری و واجب است. زیرا اعضای تعاونی دارای حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌هایی هستند که استفاده از این حقوق و اجرای این تکالیف و قبول این مسؤولیتها نیاز به آگاهی دارد. آموزش تعاون فقط برای شرکتهای تازه کار ضرورت ندارد بلکه برای اعضای شرکتهای تعاونی که سابقه طولانی نیز دارند. لزوم آموزش غیر قابل انکار است. مضافاً اینکه با توسعه دامنه کار و افزایش اعضا و کارکنان شرکت تعاونی، این آموزش اهمیت بیشتری کسب می‌کند. باید کوشید پیوسته روحیه تعاونی محفوظ مانده و احیا گردد. زیرا اگر عضوی به فعالیت دیگران متکی گردد و

خود تلاشی نکنند روح تعاون دچار رخوت می‌گردد همچنین در صورتی که پیشرفت و رونق مراحل کار مانع حضور اعضا شود یا بروزمشکلات کاری باعث سست شدن عقیده افراد به شرکت و بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت آن گردد، تعاونی به طور کلی دچار تزلزل می‌گردد و این آموزش است که در تعاونی‌ها می‌تواند وسیله‌ای در جهت جلب همکاری بیشتر، کارایی و توانمندی و بالاخره تبلور فعالیت‌های مشترک اعضا و مدیران گردد.

به این ترتیب به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم در جلب مشارکت اعضا در اداره امور شرکت خود، حضور آنان در کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های گوناگون قوانین، مقررات و اصول شرکتهای تعاونی و در زمینه تخصص فعالیت خاص شرکت تعاونی و اصول مدیریت و اداره امور شرکت تعاونی بالاخص ویژه مدیران می‌باشد.

در این راستا وزارت تعاون با ایجاد یک سیستم کارآمد آموزشی و با نظام و کنترل فعالیت‌های آموزشی شرکتهای تعاونی می‌تواند بسیار کارآمد باشد علاوه بر این رسانه‌های جمعی شامل رادیو-تلویزیون و مطبوعات نیز می‌توانند در ترویج روحیه مشارکت و همکاری میان مردم به خصوص اعضای شرکتهای تعاونی بسیار مؤثر باشند.

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در اداره امور شرکتهای تعاونی، مدیران این موسسات اقتصادی، اجتماعی می‌باشند. نهضت تعاون همانند سایر نهضتهای بزرگ، قدرت ابتکار و حیات خود را از مدیران خود بدست می‌آورد. انتخاب مدیر نیز با حفظ اصول آزادی و دمکراسی به وسیله اعضا در مجامع عمومی با خود بدست می‌آورد. انتخاب مدیر نیز با حفظ اصول آزادی و دمکراسی به وسیله اعضا در مجامع عمومی با بهره مندی از حق تساوی آرا صورت می‌گیرد. بدیهی است حسن عمل شرکتهای تعاونی و همچنین سعی در حفظ و نشر اصول و مقاصد عالی تعاون باید از معلومات و تربیت کامل تعاونی برخوردار و برای احراز مشاغل مربوط آمادگی نام و تمام داشته باشند. علاوه بر این در جهت

بهینه ساختن مدیریت شرکتهای تعاونی به نظر می‌رسد جهت احراز پست مدیریت اعضا می‌بایست علاوه بر تأکید به صفات و خصیصه‌های فردی به تجارت و سوابق مدیریتی افراد نیز توجه نمایند. همچنین از مدیران این شرکتهای نیز انتظار می‌رود در جهت مشارکت هرچه بیشتر اعضا در اداره امور شرکت خود، در کلیه مراحل مدیریت شرکت، اعم از برنامه ریزی، سازماندهی، اجرا و نظارت از وجود اعضا، آراء و نظرات ایشان به نحو شایسته‌ای بهره جویند.

در این رابطه ارتباط نزدیک و صمیمانه‌تر مدیران و اعضا با استفاده از روش ملاقات حضوری، ملاقاتهای غیر رسمی خارج از شرکت تعاونی همچنین در جهت ایجاد اطمینان و اعتماد هرچه بیشتر در اعضا، مدیران ایشان رانست به کلیه امور شرکت اعم از مراحل پیشرفت کار و امور مالی آگاه ساخته و از پنهان کاری و اعمال نظرهای شخصی جلوگیری نمایند. ارتباط هر چه بیشتر شرکتهای تعاونی و اتحادیه‌های تعاونی با مراکز آموزشی و تحقیقاتی و دستگاههای علمی و تخصصی یکی دیگر از راههایی است که می‌تواند در راستای هرچه کارآمدتر شدن سیستم مدیریت و بهبود فعالیت این شرکتهای و بالابردن سطح علمی شرکت و نیروی انسانی آن بسیار حائز اهمیت باشد.

با توجه به نکاتی که بدانها اشاره شد می‌توان به طور خلاصه موارد زیر را به عنوان پیشنهاد مطرح نمود:

- ۱- برگزاری دوره‌های آموزشی در ارتباط با افزایش میزان تواناییهای فنی و علمی کارکنان تعاونی
- ۲- برگزاری دوره‌های آموزشی در ارتباط با قوانین و مقررات شرکتهای تعاونی برای اعضای هیأت مدیره و سایر اعضای تعاونیها
- ۳- برگزاری دوره‌های آموزشی در ارتباط با مزایای مشارکت و فعالیت‌های تعاونی برای اعضا
- ۴- برقراری هرچه بیشتر ارتباط میان اعضا و هیأت مدیره
- ۵- رسیدگی بیشتر به نظرات و پیشنهادات اعضا در زمان برنامه ریزی و

اجرای برنامه‌های تعاونی

- ۶- آگاه کردن هرچه بیشتر اعضا از برنامه‌ها و تصمیمات تعاونی
- ۷- ایجاد این تفکر که تعاونی یک نهاد مردمی و متعلق به همه اعضا است
- ۸- ایجاد روابط بهتر بین بخش تحقیقات و شرکتهای تعاونی
- ۹- ایجاد انگیزه و علاقه به کار نزد اعضا و هیأت مدیره
- ۱۰- توجه بیشتر به اهداف اولیه تعاونی و اهدافی که در اساسنامه اولیه شرکتهای وجود داشته است.

فهرست منابع:

- ۱- حمد... رستمی، ۱۳۷۷، سخنی کوتاه پیرامون مشارکت در تصمیم‌گیری، مجله تعاون، وزارت تعاون، ش ۱۷۸.
- ۲- حسین زراعی، ۱۳۷۸، بررسی موانع و محدودیتهای موجود در مسیر مشارکت کارکنان در اداره امور، مجله تعاون، وزارت تعاون، ش ۹۲.
- ۳- سام‌آرام، ۱۳۴۷، علل مشارکت اعضای تعاونی روستایی قلعه نو، فصلنامه تعاون، ش ۴.
- ۴- محمدعلی طوسی، ۱۳۷۹، مشارکت و مدیریت مشارکت جو، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۵- کوروش عمادی، ۱۳۷۸، نقش مشارکت در توسعه پایدار تعاونیها، مجله تعاون، ش ۸۸.
- ۶- محمد حسین مستعانی، ۱۳۷۷، تعاونیها بینگامان مشارکت جویی و مسؤلیت‌پذیری، مجله تعاون، ش ۱۶۱.
- ۷- محمد حسین مستعانی، ۱۳۷۷، نقش عضو در پیشرفت تعاونیها، مجله تعاون، ش ۸۸.
- ۸- آرش نجاتیان، ۸۰-۱۳۷۷، بررسی علل مؤثر در مشارکت روستاییان در فعالیتهای تعاونیهای تولید کشاورزی دشت قبادارستان زنجان، پایان نامه، کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۹- وزارت تعاون، ۱۳۷۸، معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج مشارکت مردمی در سازمانهای تعاونی.
- ۱۰- وزارت تعاون، ۱۳۷۸، دفتر آمار و اطلاعات.

